



تحلیل جایگاه فرهنگستان های هنر بر حفظ و ارتقای ارزش های

معماری ایرانی اسلامی

اعلی علائی، آژمان امیری

1- استادیار، آموزشکده سما واحد کرمانشاه / alia.archi@gmail.com

2- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد / pa.archi67@gmail.com

چکیده :

احیای ارزش های هر سرزمین در گرو شناخت و تلاش در راستای تقویت آن می باشد. در این میان لازم است تا الگوی معماری ایرانی - اسلامی به عنوان یکی از غنی ترین سبک های معماری جهانی، در این زمینه توانمند بوده و متناسب با نیازها و سلیقه زندگی معاصر شکل گیرد در این راستا طراحی و عملکرد فرهنگسراهای هنر به عنوان پایگاه هنری و فرهنگی می تواند تاثیر بسزایی داشته باشد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف تحلیل جایگاه فرهنگستان های هنر بر حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی و با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است. روش گردآوری داده ها به صورت اسنادی و تحلیلی بوده و در این جهت به تعیین 50 نمونه و توزیع پرسشنامه میان آنها مبادرت شده است و تحلیل پرسشنامه ها نیز با بهره گیری از آزمون هایی همچون همبستگی اسپیرمن و آزمون فریدمن صورت گرفته است. یافته های حاصل از تحقیق نشان می دهد قابلیت اعتماد آماری پرسشنامه تحقیق بیش از 0.7 (برابر 0.891) است که نشان از پایایی پرسشنامه داشته و ضریب همبستگی اسپیرمن 0.494 می باشد که بیانگر همبستگی ناقص، خطی مثبت و معتدل بین دو متغیر است. همچنین سطح معناداری آزمون برابر صفر نشان دهنده رابطه معنا دار دو متغیر است. بدین معنا که تقویت ویژگی ها و شاخص های سازنده فرهنگستان های هنر و نیز چگونگی الگوی طراحی آن می تواند بر حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی اثر گذار باشد. در یک نتیجه گیری کلی از تحقیق می توان به تاثیر مثبت طراحی و عملکرد شاخص های سازنده در فرهنگستان های هنر در حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی مهر تایید گذارد و بیان داشت که در صورت توجه به اصول طراحی صحیح، بهره گیری از مشارکت معماران منطقه ای و نیز کارشناسان مذهبی در کنار رونق بخشی به این فضاها می توان اثرات سازنده ای را در ابعاد مختلف فرهنگی و هنری کشور شاهد بود.

واژگان کلیدی: فرهنگستان هنر، معماری ایرانی - اسلامی، مشارکت، فرهنگ اسلامی، هویت ملی.



مقدمه و طرح مسئله:

از آنجایی که فرهنگ هر ملتی بر اساس باورها، اعتقادات، سنن و آداب آن شکل می‌گیرد و در طی سالیان و قرون قوام و دوام می‌یابد و فرهنگها بر اساس هویت‌های متفاوت اقوام و ملل از هم متمایز می‌گردند (بابایی، 1373، 10). این امر در سایه مسائل و ارزش‌های دینی و ملی، الگوی معماری هر سرزمین را تشکیل می‌دهد که سنت معماری آن به شمار می‌آید و لازم است تا از طریق راهکارهای مختلف و از جمله بهره‌گیری از الگوهایی که در عین حفظ ارزش‌های معماری (از جمله معماری ایرانی-اسلامی) به معاصر سازی و پویایی آن پرداخته شود. رواج الگوها و آرای وارداتی در زمینه شهرسازی و معماری باعث شده تا اصول و مبانی نظری آنها نیز به تدریج در جوامع وارد کننده رسوخ یافته و همه گیر شود. از سوی دیگر، معماری و شهرسازی هویت یک جامعه را به نمایش می‌گذارد و ایجاد و گسترش شهر ایرانی اسلامی و همچنین استحاله شهرهای موجود به سمت شهرهای مطلوب، یکی از لوازم بروز و ظهور تمدن ایرانی اسلامی است. افت تاریخی شهر ایرانی اسلامی با ارزش کالبدی و فرهنگی نهفته در خود، از هویت شهری بالایی برخوردار است، در نتیجه حفظ بافت‌های تاریخی به عنوان هویتی ضروری برای ادامه حیات شهرها مطرح می‌گردد. در واقع هویت، پاسخی به پرسش در خصوص چیستی یا کیستی است که در بستر تاریخی جامعه شکل می‌گیرد. یکی از دلایل اصلی بحران هویت امروزین شهرها را می‌توان نا کارآمدی بافت‌های تاریخی ذکر نمود. با گذر زمان، لاجرم، تغییر اتفاق خواهد افتاد، لیکن تداوم همراه با تغییر که پیوند بین گذشته با حال را ممکن می‌سازد، خود باعث تعادل بخشی به این تغییر خواهد بود. (دانشپور و شیرینی، 1394: 17) به دنبال این فرایند، لازم است تا زمینه‌های تحقق پایداری در معماری و هنر و نیز ارزش‌های نهفته در آن مد نظر قرار گرفته و در این راستا تلاش گردد. البته باید توجه داشت که معنای کلمه پایدار در رابطه با ارزش‌های هنر و معماری با آنچه در جامعه مطرح می‌شود، متفاوت است زیرا عموم مردم به وجود عناصر ثابت در درون تاریخ معماری اسلامی- ایرانی توجه می‌کنند در صورتی که چنین موضوعی مطرح نیست. (افهمی، 1394، 1). به عبارت دیگر معماری اسلامی، ایرانی و یا الگوی پیشرفت اسلامی- ایرانی فقط در دایره معماری اسلامی، ایران محدود نبوده، بلکه معماری اسلامی و ایرانی به عنوان ابزار است به منظور پرورش و تربیت صحیح از عالم معنویت و در نهایت همزیستی با سایرین در جامعه براساس اصول و عقاید مطلوب اخلاقی. بنابراین احداث بناها و یا ساختمانها در چهارچوب معماری اسلامی ایرانی، محدود به ساختن مساجد و یا مکان‌های مذهبی نگردیده بلکه کلیه مکان‌ها و بناهای به وجود آمده در شهر می‌بایست از الگوی اسلامی- ایرانی پیروی نمایند، مطلبی که سالهاست به دلایل عدیده، مدیران و برنامه ریزان در علم معماری و شهرسازی از آن مغفول بوده، هر چند که در برنامه‌ها و اسناد بالادست در محث شهرسازی بسیار مختصر و گذار بدان اشاره داشته‌اند لیکن عملا هیچ گونه اثری عملی و به صورت عینی در سال‌های اخیر به عنوان شاخص در این زمینه چه در سبک و سیاق ساخت بناها و معماری و چه در زمینه شهرسازی تاکنون دیده نشده است. (ابوتراب، 1392: 2). فرهنگستان‌های هنر از ابتدا با تکیه بر اهداف خاصی همچون؛ به منظور پاسداری از میراث و هنر اسلامی و ملی و پیشنهاد سیاستها، راهبردها و دستیابی به آخرین یافته‌ها و نوآوری‌های و نیز ارتقاء فرهنگ اسلامی برای مقابله با تهدیدات فرهنگ مهاجم، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. (ماده 2 اساسنامه فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، 1377). این امر از راه‌های متعددی محقق می‌گردد که از این میان، احیای مجدد فرهنگ اسلامی در قالب امور تربیتی در آموزش معمار و اجازه دادن به وی برای انطباق میان این آموزه‌ها و شرایط معاصر را باید دارای اهمیت زیادی دانست. (افهمی، 1394، 2). در واقع تربیت معماران متخصص که بتوانند با خلق فرهنگستان‌های هنر در سطح کشور و انطباق آنها با ارزش‌های فرهنگی و هنری معماری ایرانی- اسلامی می‌تواند تاثیر بسزایی را در حفظ ارزش‌های معماری ایرانی اسلامی داشته باشد. با بیان این مفاهیم حال این پرسش ایجاد می‌گردد که نقش و جایگاه فرهنگستان‌های هنر بر حفظ و ارتقای ارزش‌های معماری ایرانی اسلامی چه میزان است؟ و این فضاها از چه طریقی می‌توانند بر حفظ و ارتقای ارزش‌های معماری ایرانی اسلامی موثر باشند؟



اهداف پژوهش:

این پژوهش در پی آن است تا به تحلیل جایگاه فرهنگستان های هنر بر حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی بپردازد ، ضمن اینکه در راستای دستیابی به این هدف کلی ، اهداف خرد دیگری را نیز پوشش می دهد که مهمترین آنها عبارتند از :

- بررسی و شناسایی مفهوم معماری و معماری ایرانی -اسلامی.
- شناسایی فرهنگستان های هنر و الگوهای طراحی آنها در کشور.
- شناسایی و تعیین شاخص های موثر در عملکرد فرهنگسرا و تاثیر آنها بر تقویت ارزش های فرهنگی.
- بررسی تاثیر فرهنگستان های هنر و ارتقای ارزش معماری ایرانی -اسلامی و متغیرهای موثر بر این فرایند.

مبانی نظری و تئوریک:

معماری و معماری اسلامی:

معماری از یک موجودیت و هستی تمدنی حکایت می کند که لزوماً مربوط به مرگ های گذشته نیست بلکه حکایت گر هستی امروز و هستی آینده نیز هست. تمدن یک "برجستگی ملی" است که هم ماندگاری گذشته را بیان می کند و هم چگونه بودن حال و آینده را رقم می زند. در واقع معماری تلاشی برای از بین رفتن "فاصله با گذشته" و منعکس کننده "استمرار گذشته در حال و آینده" است (عاملی، 1383: 15). معماری به لحاظ ماهیتش دارای دو بعد علمی و هنری است. با توجه به جنبه جهان شمولی هنر، معماری نیز از بعد هنری اش واجد معنای هستی شناسی است. از آنجا که بینش یا دیدگاه فکری در درک معنی و به تبع آن در ساختار یک نظام آموزشی، به خصوص در مقولاتی (مثل مقولات هنری) که دارای بعد هستی شناسی هستند، موثر است لذا مقدم بر آموزش معماری، لازم است که دیدگاه فکری ای که آموزش در آن انجام می گیرد، و تعریف معماری که خود واجد معنی ناشی از بینش است، تبیین شود. از دیدگاه سنتی، معماری هنر آفرینش است، آفرینشی زیبا که لازمه وجود حقیقی است. انسان سنتی استعداد آفرینندگی خود را از خداوند می داند. از همین رو از نگاه سنت، معماری به عنوان هنر آفرینش و آراستن کالبد زندگی، واجد بعد هستی شناسی است.

از دیدگاه مدرن نیز معماران بزرگ این نحله ی فکری وجود امری متعالی در معماری را متذکر شده اند و بعضاً به بعد هستی شناسی معماری اعتراف دارند. اما مفاهیم ی این معنی در فضای فکری متأثر از خرد محض حاکم بر دنیای مدرن، دچار استحاله ی شناختی شده است. (اکرمی، 1382: 33). از آنجایی که فرهنگ هر ملتی بر اساس باورها، اعتقادات، سنن و آداب آن شکل می گیرد و در طی سالیان و قرون قوام و دوام می یابد و فرهنگها بر اساس هویت های متفاوت اقوام و ملل از هم متمایز می گردند و مراد از فرهنگ اسلامی آنگونه فرهنگی است که زیر ساخت آن افکار و اندیشه ها و ارزشهای مکتب دین اسلام باشد، و از آنجا که به یقین، معماری نیز خود بخشی از کل فرهنگ یک قوم و ملت و منجمله مسلمین را می سازد، پس می توان در تعریف لفظی معماری اسلامی چنین گفت: معماری اسلامی آنگونه معماری است که نشأت گرفته از فکر و اندیشه و معرفت اسلامی بوده و آبشخور جوهره یک چنین معماری از فرهنگ اسلامی باشد. (بابایی، 1373، 10).



فرهنگستان هنر

فرهنگستان هنر ایران در سال 1377 و بر اساس مصوب جلسه 439 مورخ 1377.12.25 شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شده است که در ماده 1 اساسنامه این مجموعه که در ماده 1 آن نیز آمده است؛ هدف از تشکیل آن پاسداری از میراث و هنر اسلامی و ملی و پیشنهاد سیاستها، راهبردها و دستیابی به آخرین یافته‌ها و نوآوری‌های و نیز ارتقاء فرهنگ اسلامی برای مقابله با تهدیدات فرهنگ مهاجم، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران می باشد. ضمن اینکه در ماده 2 این اساسنامه، مهمترین وظایف فرهنگستان هنر عبارتند از:

- پیشنهاد سیاستگذاری برای حفظ و توسعه هنر اسلامی، ملی و محلی
- همکاری با حوزه‌های علمی و علمای دینی در شناخت زمینه‌های مبانی فقهی هنر
- مطالعه و بهره‌گیری از نظریه‌های جدید هنر با تکیه بر مبانی ملی و اسلامی
- حمایت و تشویق پژوهش‌های بنیادی و پی‌گیری مطالعات و طرح‌های هنری در سطح ملی
- پیشنهاد سیاستگذاری در زمینه ارتباط جوامع هنری داخلی با جهان
- پیشنهاد سیاستگذاری جهت گسترش نقد هنری و مباحث زیبا شناختی
- پیشنهاد تعیین شاخص‌های توسعه هنری در کشور
- ارزیابی سالانه شاخص‌های هنری در کشور
- برپایی نشست‌های سالیانه در زمینه‌های مختلف هنری
- بررسی کاستی‌های نظام آموزش کشور در زمینه هنر و پیشنهاد به مراجع ذی ربط
- مطالعه ارتباط بین رشته‌ای و پژوهش در زمینه هنر و سایر علوم
- پیشنهاد رشته‌های دانشگاهی "میان رشته‌ای هنر" به مراجع ذیربط
- معرفی هنرمندان و محققان واجد شرایط جهت استفاده از هزینه‌های تحصیلی به مراکز

(اساسنامه فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، 1377)

ضرورت توجه به ارزش‌های معماری ایرانی - اسلامی در زندگی معاصر و جایگاه فرهنگستان‌های

هنر:

معماری عرصه‌ی بروز روحیه‌ها، حالت‌ها، آرمان‌های انسان‌ها و نیز عرصه‌ی تلاقی فرهنگ، دین، هنر و فن است و به بیانی ساده معماری تبلور فرهنگ و اندیشه‌ی انسان و تجلی عینی ارزش‌های هر ملت است. روح هر ملت در ارزش‌های دینی آن نمایان است و ارزش‌های دینی، عمیق‌ترین و لطیف‌ترین بخش فرهنگ به شمار می‌آید. زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی از جمله عواملی هستند که در شکل‌گیری آثار معماری بسیار مؤثر هستند. معماری معاصر ایران در بستری شکل گرفته که از جریان‌های مدرنیته، صنعتی شدن و جهانی شدن به طور مداوم تأثیر پذیرفته است و فن‌آوری، شیوه‌ی زندگی مردم و به دنبال آن کالبد و محیط زیست وی را تغییر داده است. (ابراهیمی، 1389: 4) تنوع‌گرایی، کثرت‌گرایی، التقاط و تعدد دیدگاه‌ها اصلی‌ترین شاخص‌های معماری معاصر در دهه‌های اخیر شده است و گرایش به سمت دیدگاه جهانی گرا موجب گردیده که این معماری از گذشته و تاریخ خود جدا شده و بدون آگاهی‌های نظری و شناخت دقیق مفاهیم فکری گرایش‌های جهانی، روی به تقلیدی کورکورانه و سطحی از معماری غربی آورد. در این نگرش الزامی در توجه به داشته‌های گذشته دیده نمی‌شود و هم‌سویی با معماری روز جهانی، فردگرایی و خودمحوری ملاک قرار می‌گیرد (محمودی، 1387: 9). به نحوی که رشد کمی و کاهش کیفیت، جامعه را به سمت ساختمان سازی و بساز بفروشی که نوعی سرمایه‌گذاری تضمین شده است، سوق داده و آنچه که مورد بی‌توجهی واقع شده، معماری به مفهوم واقعی کلمه است (ابراهیمی، 1389: 4). تقلید از معماری مدرن غربی به گسترش شهرنشینی و تسلط روز افزون ماشین بر زندگی مردم منجر شده است؛ هم‌چنین بسیاری از



هنجارهای مناسب زندگی را تحت تأثیر قرار داده و بی‌هنجاری و ناهنجاری را جایگزین آن کرده است (ابراهیمی 1389: 6). آنچه تولید می‌شود ساختمان سازی است نه معماری، رشد شهری است نه شهرسازی. مراد از معماری و شهرسازی، خلق آگاهانه و اندیشمندانه‌ی فضا برای زندگی فرد و جامعه است (حبیبی، 1385: 97). ناتوانی در ایجاد سبک معماری که از یک سو در راستای معماری روز بوده و پاسخ‌گوی نیازهای متغیر استفاده‌کنندگان باشد و از دیگر سو ارتباط و تداوم خود را با معماری تاریخی کشور حفظ کند و حتی بتواند در صحنه‌ی جهانی نیز حرفی برای گفتن داشته باشد، همواره سبب دل‌مشغولی بسیاری از اندیشمندان و متفکران این دوره گشته است (حبیبی، 1389: 30). معماری معاصر ایران برای باز یافتن جایگاه ویژه‌ی خود راه دشواری پیش رو دارد، زیرا با جامعه‌ای در حال تحول روبه‌روست که جریان‌های صنعتی شدن، جهانی شدن و شبکه‌ای شدن را تجربه می‌کند. هنر و معماری در چنین موقعیتی نقش مؤثری در باز تعریف هویت خواهند داشت. بدون تردید معماری تنها به لحاظ ساختاری و حتی عملکردی حائز اهمیت نبوده، بلکه نقش معماری در تداعی معانی و انتقال مفاهیم نیز جایگاه ویژه‌ی ای دارد (رضازاده، 1383: 38). به عبارت دیگر با توجه به این امر که همیشه تفکرات و جهان بینی افراد بر زندگی آنها تأثیرگذار می‌باشد و آرامش انسان در گرو هماهنگ بودن با جهان بینی و ایدئولوژی خود می‌باشد، لزوم حکمفرمایی ارزش های اسلامی و دینی بر شهرسازی و معماری اسلامی امری حیاتی محسوب می‌گردد. همچنین مصنوعات هر جامعه باید مبتنی بر فرهنگ آن جامعه باشد تا بتواند حافظ هویت و ریشه جامعه گردد؛ پس در شهرسازی و معماری ایران، باید هم ارزش های اسلامی و هم فرهنگ اصیل ایرانی، در طراحی شهری مورد توجه قرار گیرد تا کشور ایران نمونه بارزی از شهری اسلامی و ایرانی باشد. (مشکات روحانی و خادمی، ۱۳۸۹: 24). در این راستا تلاش در راستای تقویت معماری اصلی ایرانی-اسلامی که بیانگر هویت معماری ملی و دینی بوده و می‌تواند زمینه ساز ارتقای هر چه بیشتر فرهنگ ملی می‌باشد از اهم مسائل می‌باشد. در این راستا بهره‌گیری از توان فرهنگستان های هنر که یکی از مهمترین بخش های فلسفه وجودی آنها نیز ارتقای ارزش های معماری ملی و اسلامی می‌باشد، می‌تواند کمک شایانی به ارتقای شرایط موجود نماید.

پیشینه تحقیق:

پیرامون طراحی مراکز فرهنگی و نیز فرهنگستان های هنر و البته معماری ایرانی اسلامی، پژوهش های متعددی صورت گرفته است که مهمترین آنها به شرح زیر می‌باشد.

-**امیری هفشجانی و همکاران (۱۳۹۲)**، در مقاله بررسی عوامل مؤثر در طراحی مراکز فرهنگی هنری جت ارتقاء و توسعه ی فرهنگی پایدار در بافت شهری (نمونه موردی: فرهنگستان هنر تهران)، هدف کلی این بخش دستیابی به یک مفهوم واضح و روشن از مجموعه فرهنگستان هنر است. مجموعه فرهنگستان هنر ایران در حال حاضر دارای ساختانهایی در سطح شهر تهران است که فعالیت های این مجموعه را دنبال می‌کند ولی فقدان ساختمانی در شان و منزلت فرهنگستان هنر به عنوان عالی ترین مرجع فرهنگی و هنری کشور کاملاً مشهود است و از طرفی ساختمان های موجود .

-**زبردست نژادشیرازی و همکاران (۱۳۹۴)**، در مقاله بررسی تاثیر طراحی فرهنگسرا های هنرهای دستی در جذب گردشگر؛ در این مقاله ضمن تعریف هنرهای دستی و صنعت گردشگری، از هنرهای دستی به عنوان یکی از عوامل جذب در صنعت گردشگری یاد می‌شود و سپس به بررسی نمونه موردی فرهنگستان هنر های دستی شهر شیراز و چگونگی ایجاد رابطه بین این دو پرداخته می‌شود.

-**آصفی وایمانی (1391)**، در مقاله چالش های فناوری های نوین در معماری و تعامل آن با ارزش های معماری اسلامی ایران، بر اساس نتایج این پژوهش بهره‌گیری از فناوری های نو در ترکیب با عناصر و فرم های بومی و سنتی، هماهنگی با شرایط اقلیمی، حفظ ارزشهای فرهنگی- اجتماعی و اصول معماری بومی و همچنین استفاده از فناوری های ساخت و مصالح جدید در ایجاد هماهنگی، تضاد، شفافیت و . . .، بسته به شرایط مکانی زمانی، مهم ترین شاخص های ایجاد مطلوبیت در معماری معاصر ایران به شمار می‌آیند.



- دانشپور و شیر (1394)، در مقاله عناصر کالبدی کارکردی شکل دهنده به هویت بافت‌های تاریخی شهر ایرانی اسلامی؛ مقاله حاضر در صدد است تا با شناخت ماهیت هویت، به بررسی عناصر شکل دهنده شهرهای سنتی اسلامی کشور بپردازد تا به تمهیداتی منجر شود که به حفظ و تداوم حضور این عناصر در بافت‌های تاریخی شهرهای کشورمان کمک کند.

- قدس ولی (1393)، در مقاله معماری ایرانی و ارزش‌های اسلامی؛ نتایج تحقیق حاضر حاکی از استحاله ارزش‌های اسلامی و مسخ میراث فرهنگی به دنبال پیروی از الگوهای معماری کاملاً غربی و بیگانه از سنت‌های خودی می‌باشد.

روش‌شناسی تحقیق:

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توسعه‌ای بوده و روش آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در بخش مطالعات توصیفی و اسنادی با بهره‌گیری از منابع، کتب، مقالات به بیان دیدگاه‌ها و مفاهیم پیرامون معماری، معماری ایرانی-اسلامی، فرهنگسرای هنر و... پرداخته شد و در بخش تحلیلی به تعیین نظر 50 نمونه (حداقل تعداد مورد قبول در تحلیل آماری) در راستای میزان اثرگذاری فرهنگستان‌های هنر بر ارزش‌های هنر و معماری ایرانی-اسلامی پرداخته شده است.

در این تحقیق سوالات، بر اساس مؤلفه‌های تعیین شده به صورت 5 گزینه‌ای و براساس طیف لیکرت می‌باشد. در بررسی پایایی پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ مورد استفاده قرار گرفته است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات از نرم افزار Spss استفاده شد. انتخاب نوع آزمون با توجه به چگونگی توزیع داده‌ها و نوع متغیرها و جامعه آماری انتخاب شده است. ضمن اینکه برای تحلیل متغیرهای تحقیق از آزمون‌های همبستگی اسپیرمن و آزمون فریدمن استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

روش انتخاب و نمونه‌گیری از کارشناسان بطریق احتمالی ساده و پرسشنامه براساس طیف لیکرت و سوالات آن بصورت پنج گزینه‌ای است. تعداد نمونه‌ها 50 نفر از کارشناسان عرصه معماری بوده‌اند و بر این اساس به بهره‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ جهت تعیین پایایی پرسشنامه و نیز همبستگی پیرسون جهت تعیین رابطه میان ساخت و تجهیز فرهنگستان‌های هنر و حفظ و ارتقای ارزش‌های معماری ایرانی اسلامی و نیز آزمون فریدمن جهت اولویت بندی عوامل موثر در این فرایند می‌باشند. در این راستا 4 متغیر اصلی به شرح زیر تعریف شده‌اند که در طراحی فرهنگستان‌های هنر می‌توانند بر حفظ و ارتقای ارزش‌های معماری ایرانی اسلامی تأثیر داشته باشند. این متغیرها عبارتند از:

- بهره‌گیری از الگوی معماری بومی و سنتی در هر منطقه از کشور.

- استفاده از نظر کارشناسان مذهبی در طراحی فرهنگستان‌های هنر.

- نمایش ارزش‌های ملی و دینی در طراحی فرهنگستان‌های هنر.

- برگزاری نشست‌های تخصصی در راستای راستای بازخوانی تاریخ هنر و معماری ایران اسلامی در دوره‌های مختلف تاریخی.

پرسشنامه مورد استفاده در تحقیق، به صورت سوال 5 گزینه‌ای مقیاس لیکرت و تعداد نمونه 50 نفر است. در اولین گام از تحلیل استنباطی پژوهش‌نگارنده تعیین آلفای کرونباخ پرداخته است. روش استفاده از ضریب آلفای کرونباخ را برای تعیین پایایی یک پرسشنامه یا آزمون با تأکید بر همبستگی درونی می‌توان استفاده کرد. در این روش اجزا یا قسمت‌های پرسشنامه برای سنجش ضریب پایایی آزمون به کار می‌روند.



جدول شماره 1 قابلیت اعتماد آماری پرسشنامه تحقیق

تعداد موارد(متغیرها)	آلفای کرونباخ
۴	.۸۹۱

ماخذ: تحلیل نگارنده

جدول شماره 1 نشان می دهد که ضریب آلفای کرونباخ بیش از 0.7 (برابر 0.891) است که نشان از پایایی پرسشنامه دارد.

جدول شماره 2 نتایج آزمون آلفای کرونباخ مربوط به متغیرهای پرسشنامه

پایایی (Cronbach α)	تعداد گویه	متغیرها
0.813	2	بهره گیری از الگوی معماری بومی و سنتی در هر منطقه از کشور
0.917	2	برگزاری نشست های تخصصی در راستای راستای بازخوانی تاریخ هنر و معماری ایران اسلامی در دوره های مختلف تاریخی
0.738	2	استفاده از نظر کارشناسان مذهبی در طراحی فرهنگستان های هنر
0.793	2	نمایش ارزش های ملی و دینی در طراحی فرهنگستان های هنر

ماخذ: تحلیل نگارنده

همبستگی میان طراحی و عملکرد فرهنگستان های هنر و حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی:

به منظور تایید معناداری میان ویژگی های فرهنگستان های هنر و حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. معناداری در همبستگی به معنای میزان رابطه بین دو متغیر مطرح شده می باشد. به عبارت دیگر آیا بین عملکرد فرهنگستان های هنر و حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ جدول شماره 3 معناداری بین عملکرد فرهنگستان های هنر و حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی را از طریق ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می دهد.

جدول شماره 3 معناداری میان عملکرد فرهنگستان های هنر و حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن

		ویژگی های فرهنگستان های هنر	حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی
Spearman's rho همبستگی اسپیرمن	ویژگی های فرهنگستان های هنر	Correlation Coefficient	1.000
		Sig. (2-tailed)	.494**
	حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی	Correlation Coefficient	.494**
		Sig. (2-tailed)	1.000
		N	105



	اسلامی	N	105	105
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).				

ماخذ: تحلیل نگارنده

جدول شماره 3، از 50 نمونه گرفته شده و ضریب همبستگی 0.494 را نشان می دهد که بیانگر همبستگی ناقص، خطی مثبت و معتدل بین دو متغیر است. همچنین sig (سطح معناداری آزمون) برابر صفر نشان دهنده رابطه معنا دار دو متغیر است. بدین معنا که تقویت عملکرد و شاخص های سازنده فرهنگستان های هنر و نیز چگونگی الگوی طراحی آن می تواند بر حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی اثر گذار باشد.

تحلیل تاثیر عملکرد فرهنگستان های هنر (و طراحی آن) بر حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی :

با توجه به اینکه در این پژوهش اثرات شاخص های سازنده و عملکرد فرهنگستان های هنر و نیز چگونگی الگوی طراحی آنها به عنوان متغیر مستقل و تاثیرات ناشی از آن حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی به عنوان متغیر وابسته می باشد، آزمون فریدمن مناسب ترین آزمون برای بررسی مقایسه متغیر رتبه ای در چند گروه وابسته می باشد. چراکه با توجه به بررسی نظر کارشناسان مختلف در زمینه تدوین پرسشنامه، چند دسته متغیر تعریف گشت که هر یک از آنها تحت عنوان یک متغیر وابسته به شمار می روند که در نهایت تاثیر طراحی و اهمیت فرهنگستان های هنر به عنوان متغیر مستقل بر آنها آزمون می گردد.

جدول شماره 4 آمارهای آزمون فریدمن

Test Statistics آمارهای آزمون فریدمن	
N تعداد نمونه	50
Chi-Square کای اسکوئر	1134.217
df درجه آزادی	4
Asymp. Sig. سطح معناداری آزمون	0.000
a. Friedman Test	

ماخذ: تحلیل نگارنده

بر اساس خروجی حاصل از جدول شماره 4 آمارهای آزمون نشان می دهد، با توجه به اینکه sig کوچکتر از 0.05 (برابر صفر) است نشان از معنادار بودن متغیرهای وابسته در 50 نمونه آزمون مورد بررسی است. و این امر به معنای انتخاب صحیح متغیرهای وابسته ناشی از میزان اثر گذاری چگونگی طراحی و اهمیت شاخص ها و عملکرد فرهنگستان های هنر می باشد. بر اساس نظر کارشناسان و تحلیل های محقق، مهمترین متغیرهایی که فرهنگستان های هنر با بهره گیری از آنها می تواند بر حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی اثر گذارد در چند دسته طبقه بندی شده اند که چنانکه در سطور بالا ذکر شد عبارتند از: بهره گیری از الگوی معماری بومی و سنتی در هر منطقه از کشور، استفاده از نظر کارشناسان مذهبی در طراحی فرهنگستان های هنر، نمایش ارزش های ملی و دینی در طراحی فرهنگستان های هنر و برگزاری نشست های تخصصی در راستای بازخوانی تاریخی هنر و معماری ایران اسلامی در دوره های مختلف تاریخی.

پس از مشخص شدن این متغیرها و تاثیرات ناشی از عملکرد فرهنگستان های هنر، حال باید دید که کدام یک از عوامل بیشترین تاثیر را پذیرفته و در اولویت قرار می گیرند. جدول شماره 5 اولویت متغیرهای مطرح شده را نشان می دهد. هر چه رتبه میانگین یک متغیر بیشتر باشد و عبارت دیگر هر چه اعداد جدول 5 بزرگتر باشد آن متغیر در اولویت قرار می گیرد.



جدول شماره 5 ترتیب اثر پذیری معیارها (متغیر وابسته) از عملکرد و ویژگی های فرهنگستان هنر (متغیر مستقل) با توجه به رتبه میانگین آن ها در آزمون فریدمن

رتبه	Mean Rank
نمایش ارزش های ملی و دینی در طراحی فرهنگستان های هنر	8.48
برگزاری نشست های تخصصی در راستای راستای بازخوانی تاریخ هنر و معماری ایران اسلامی در دوره های مختلف تاریخی	8.24
بهره گیری از الگوی معماری بومی و سنتی در هر منطقه از کشور	6.88
استفاده از نظر کارشناسان مذهبی در طراحی فرهنگستان های هنر	4.97

ماخذ: تحلیل نگارنده

در این جدول رتبه میانگین نمایش ارزش های ملی و دینی در طراحی فرهنگستان های هنر با رتبه میانگین 8.48 و همچنین برگزاری نشست های تخصصی در راستای راستای بازخوانی تاریخ هنر و معماری ایران اسلامی در دوره های مختلف تاریخی با رتبه میانگین 8.24 بیش ترین تاثیر را در حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی می پذیرند. پس از این دو متغیر ، بهره گیری از الگوی معماری بومی و سنتی در هر منطقه از کشور با میانگین 6.88 و استفاده از نظر کارشناسان مذهبی در طراحی فرهنگستان های هنر با میانگین 4.97 در رده های پایین تر جای دارند.

بحث و نتیجه گیری:

پژوهش حاضر با هدف تحلیل جایگاه فرهنگستان های هنر بر حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی و با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی در پی تبیین موضوع تحقیق و تعیین شاخص هایی بوده است که بدین منظور محقق ضمن تحلیل مبانی نظری و تئوریک ، به بهره گیری از نظر کارشناسان پرداخته تا از این طریق به تعیین شاخص های موثر در حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی پرداخته و میزان اثر گذاری هر یک از آنها را در فرهنگستان های هنر مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. برای این منظور به استفاده از آزمون های همبستگی و نیز فریدمن مبادرت شده است. مهمترین نتایج حاصل از این تحقیق را می توان به شرح زیر بیان نمود: قابلیت اعتماد آماری پرسشنامه تحقیق با در نظر گرفتن 4 متغیر اصلی و گوپه های تعریف شده برای آنها بیش از 0.7 (برابر 0.891) است که نشان از پایایی پرسشنامه دارد. ضمن اینکه برای تعیین رابطه میان متغیرهای مستقل (عملکرد فرهنگستان های هنر) و وابسته (حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی) به استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن اقدام شده است. ضریب همبستگی اسپیرمن محاسبه شده از 50 نمونه گرفته شده حاکی از آن است که ضریب همبستگی 0.494 را می باشد که بیانگر همبستگی ناقص، خطی مثبت و معتدل بین دو متغیر است. همچنین سطح معناداری آزمون برابر صفر نشان دهنده رابطه معنا دار دو متغیر است. بدین معنا که تقویت ویژگی ها و شاخص های سازنده فرهنگستان های هنر و نیز چگونگی الگوی طراحی آن می تواند بر حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی اثر گذار باشد. از سوی دیگر با توجه به اینکه در این پژوهش اثرات شاخص های سازنده و عملکرد فرهنگستان های هنر و نیز چگونگی الگوی طراحی آنها به عنوان متغیر مستقل و تاثیرات ناشی از آن حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی به عنوان متغیر وابسته می باشد ، آزمون فریدمن مناسب ترین آزمون برای بررسی مقایسه متغیر رتبه ای در چند گروه وابسته می باشد. بر اساس خروجی حاصل از آمارهای آزمون نتیجه نشان می دهد، با توجه به اینکه سطح معناداری کوچکتر از 0.05 (برابر صفر) است نشان از معنادار بودن متغیرهای وابسته در 50 نمونه آزمون مورد بررسی است. و این امر به معنای انتخاب صحیح متغیرهای وابسته ناشی از میزان اثر گذاری چگونگی طراحی و اهمیت شاخص ها و عملکرد فرهنگستان های هنر می باشد. در نهایت نیز رتبه بندی میانگین هر یک از متغیرهای تعریف شده در تحقیق حاکی از آن است که ، رتبه میانگین نمایش ارزش های ملی و دینی در طراحی فرهنگستان های هنر با رتبه میانگین 8.48 و همچنین برگزاری نشست



های تخصصی در راستای راستای بازخوانی تاریخ هنر و معماری ایران اسلامی در دوره های مختلف تاریخی با رتبه میانگین 8.24 بیش ترین تاثیر را در حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی می پذیرند. پس از این دو متغیر، بهره گیری از الگوی معماری بومی و سنتی در هر منطقه از کشور با میانگین 6.88 و استفاده از نظر کارشناسان مذهبی در طراحی فرهنگستان های هنر با میانگین 4.97 در رده های پایین تر جای دارند. در یک نتیجه گیری کلی از تحقیق می توان به تاثیر مثبت طراحی و عملکرد شاخص های سازنده در فرهنگستان های هنر در حفظ و ارتقای ارزش های معماری ایرانی اسلامی مهر تایید گذارد و بیان داشت که در صورت توجه به اصول طراحی صحیح، بهره گیری از مشارکت معماران منطقه ای و نیز کارشناسان مذهبی در کنار رونق بخشی به این فضاها می توان اثرات سازنده ای را در ابعاد مختلف فرهنگی و هنری کشور شاهد بود.

منابع و ماخذ:

- 1- آصفی، مازیار، الناز ایمانی، 1391، چالش های فناوری های نوین در معماری و تعامل آن با ارزش های معماری اسلامی ایران، نشریه باغ نظر، دوره 9، شماره 21، تابستان، صص 21-34
- 2- امیری هفشجانی، سیده پریا؛ علی دشتی شفیعی و فریدون ناهیدی آذر، 1392، بررسی عوامل مؤثر در طراحی مراکز فرهنگی هنری جت ارتقاء و توسعه ی فرهنگی پایدار در بافت شهری (نمونه موردی: فرهنگستان هنر تهران)، اولین کنفرانس معماری و فضاهای شهری پایدار، مشهد، گروه پژوهش های کاربردی پرمان، صص 22-37
- 3- افهمی، رضا، 1394، عقلانیت، تنها عنصر پایدار در هنر و معماری اسلامی - ایرانی، ستاد خبری سومین کنگره علوم انسانی اسلامی، کد خبر: 297710، 15 مهر، صص 1-2.
- 4- ابوتراب، حسن، 1392، چالش های معماری اسلامی - ایرانی، سایت خبری صما، 29 مهر، صص 1-3.
- 5- اساسنامه فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، 1377، مصوب جلسه 439 مورخ 1377.12.25 شورای عالی انقلاب فرهنگی
- 6- ابراهیمی، سمیه، 1389، معماری و شهرسازی ایران در دوران گذشته، نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره 6، صص 52-61.
- 7- اکرمی، غلامرضا، 1382، تعریف معماری، گام اول آموزش (چالش ها و تناقضات)، نشریه هنر های زیبا، شماره 16، زمستان، صص 33-48.
- 8- بابایی، مهناز، 1373، نقد و تحلیلی بر تعاریف معماری اسلامی، آگاهی نامه راه و ساختمان و معماری، بهمن، صص 9-14.
- 9- حبیب، فرح، 1389، تحلیلی از معماری معاصر ایران در رویارویی با پدیده ی جهانی شدن، نشریه ی هویت شهر، سال چهارم، شماره ی 6، صص 30 - 45.
- 10- حبیبی، محسن، 1385، شرح جریان های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- 11- دانشپور، عبدالهادی، الهام شیری، 1394، عناصر کالبدی کارکردی شکل دهنده به هویت بافت های تاریخی شهر ایرانی اسلامی، فصلنامه نقش جهان، دوره 5، شماره 1، بهار، صص 17-25.



- 12-رضازاده، راضیه، 1383، بررسی نقش معماری در تداعی معانی و انتقال مفاهیم، نشریه هنرهای زیبا، شماره 18، صص 37-38
- 13-زبردست نژادشیرازی، بهاره؛ باقر کریمی و پویا دولابی، ۱۳۹۴، بررسی تاثیر طراحی فرهنگسرا های هنرهای دستی در جذب گردشگر، همایش ملی معماری شهرسازی عمران و گردشگری توسعه پایدار شهری، قزوین، کانون معماران ایران، صص 81-94
- 14-عاملی، سعید رضا، (1383) هویت های فرهنگی قدیم و جدید- رمز گشائی تمدنی و معماری سنتی- مدرن و ملی- فراملی مهستان، مهستان، فصلنامه نامه صادق، شماره 30، پاییز و زمستان، صص 7-44
- 15-قدس ولی، مریم، ۱۳۹۳، معماری ایرانی و ارزش های اسلامی، اولین همایش ملی در جستجوی شهر فردا و اکاوی مفاهیم و مصادیق در شهر اسلامی - ایرانی، تهران، شرکت دیبا افق رایا، صص 82-97.
- 16-مشکات روحانی، وحیدرضا و مژگان خادمی، ۱۳۸۹، اصول و ارزش های معماری و شهرسازی اسلامی، همایش ملی معماری و شهرسازی معاصر ایران، بیضاء، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیضاء، صص 24-41
- 17-محمودی، محمدرضا، 1387، جهانی شدن و معماری معاصر ایران، مجله ی معماری و شهرسازی، شماره های 88-89.